

دکتر دیوید هاوارد، جاشوا-روت، جلسه ۳ مقدمه بخش ۳

دیوید هاوارد و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد یوشع از طریق روت است. این جلسه ۳، مقدمه‌ای بر یوشع، بخش ۳، زمینه ادبی است.

در این بخش، می‌خواهم درباره چیزی صحبت کنم که آن را زمینه ادبی کتاب یوشع می‌نامم.

ما در بخش دیگری درباره زمینه تاریخی و زمینه جغرافیایی صحبت کرده‌ایم، اما کتاب یوشع فقط به وقایع و مکان‌ها و افرادی که در زمان و مکان و تاریخ واقعی اتفاق افتاده‌اند اشاره نمی‌کند، بلکه یک اثر ادبی نیز هست. این کتابی از کلمات است که توسط شخصی با نیت خاصی نوشته شده است. نیتی که در بخش دیگری از آن صحبت کردیم این است که هدیه خدا از سرزمین موعود، قوم اسرائیل است و غیره.

اما بیا باید اکنون کتاب یوشع را در بافت ادبی آن، یعنی در جایگاهی در مجموعه کتب مقدس، جایگاهی در عهد عتیق که در آن آمده است، در نظر بگیریم. بنابراین به طور سنتی، ما پنج کتاب اول کتاب مقدس، پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه را به عنوان چیزی که ما آن را کتب پنجگانه می‌نامیم، داریم. تقسیم‌بندی درست همین جاست و منطق پشت این تقسیم‌بندی این است که گاهی اوقات این کتاب‌ها، کتاب‌های موسی نامیده می‌شوند، و این به این دلیل است که موسی نویسنده اصلی این کتاب‌ها بود.

موسی در پایان تثنیه می‌میرد، بنابراین این یک تقسیم‌بندی منطقی از بخش اصلی کتاب مقدس است. پس از این، در سنت پروتستان، ما معمولاً در مورد کتاب‌های تاریخی، از یوشع تا دوم پادشاهان یا حتی تا تواریخ به عنوان نحمیا استر صحبت می‌کنیم. من این اصطلاح را کاملاً دوست ندارم زیرا ممکن است به این معنی باشد که سایر بخش‌ها تاریخی نیستند.

به نظر من، خط داستانی یوشع از خط داستانی اعداد، خروج و پیدایش الهام گرفته شده است، و بنابراین این بخش‌ها نیز از این نظر تاریخی خواهند بود، بخش‌های روایی. اما این اصطلاح برای راحتی کار است داستان ورود اسرائیل به سرزمین را روایت می‌کند، و اگر به پادشاهان، دوم پادشاهان بروید، اینجا جایی است که اسرائیل از سرزمین رانده می‌شود.

بنابراین، اینها حدود ۴۰۰ سال یا بیشتر، یا بیش از ۴۰۰ سال، شاید ۸۰۰ یا ۹۰۰ سال از زندگی اسرائیل در این سرزمین هستند. در سنت یهود، اینها پیامبران پیشین، یوشع، داوران، اول سموئیل و اول پادشاهان نامیده می‌شوند. و آنها پیامبر به همان معنایی که اشعیا، ارمیا، حزقیال و دیگران هستند، نیستند، بلکه به این معنا هستند که پیامبران افرادی هستند که از جانب خدا سخن می‌گویند، سخنگویان خدا، همانطور که اشعیا و دیگران در خیابان‌های اورشلیم یا سامره صحبت می‌کردند.

نویسندگان این کتاب‌ها به شیوه‌ای متفاوت، کلام خدا را بیان می‌کنند. آن‌ها وقایع را می‌نویسند و آن‌ها را از دیدگاه خدا تفسیر می‌کنند. بنابراین، از این نظر، می‌توان آن‌ها را پیامبر نامید.

بنابراین، کتاب یوشع سرآمد کتاب‌های تاریخی، اولین کتاب حیات در این سرزمین است. حال اگر به اندازه کافی در متون عهد عتیق مطالعه کنید، با نظریه‌های ترکیب‌بندی مواجه خواهید شد که ممکن است کمی با این متفاوت باشند. یکی از نظریه‌های اصلی که چند قرن پیش تا قرن بیستم رواج داشت، نظریه‌ای بود که می‌گفت داستان پیدایش واقعاً در تثنیه به پایان نمی‌رسد، بلکه در یوشع به پایان می‌رسد.

را در نظر بگیریم. اسفار پنجگانه نام خود را از کلمه پنتا به (Hexateuch) ما باید چیزی به نام شش ضلعی معنی پنج گرفته‌اند. بنابراین، در پنج کتاب اول، ما پنج ضلعی را به عنوان یک چیز پنج ضلعی در نظر می‌گیریم. شش ضلعی یک ساختار هندسی شش ضلعی است.

بنابراین، شش کتاب اول عهد عتیق، شش کتاب اول عهد عتیق خواهند بود. محققان این نظریه را در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مطرح کردند، با این تصور که نه، موسی نویسنده‌ی اسفار پنج‌گانه نبوده بلکه کسی خیلی بعدتر در این مورد نوشته است، و رشته‌هایی که در تمام این کتاب‌ها وجود دارد به یوشع ختم می‌شود. و این منطق خاصی دارد زیرا در یوشع مطالب زیادی وجود دارد که به گذشته نگاه می‌کنند، همانطور که تحقق وعده‌ها و خط داستانی در اینجا به پایان می‌رسد.

حرکت در اسفار پنجگانه همیشه رو به جلو است. خداوند به ابراهیم وعده‌هایی در مورد سرزمین می‌دهد، و سپس کمی بعد از چند دهه، فرزندان او دیگر در آن سرزمین نیستند. آنها در مصر هستند.

و سپس بقیه کتاب خروج به سمت سرزمین موعود حرکت می‌کند. کتاب اعداد از میان بیابان به سمت سرزمین موعود حرکت می‌کند. بنابراین، همیشه این حرکت رو به جلو وجود دارد.

و در پایان هر کتاب در اسفار پنجگانه، این نوع نگاه به آینده وجود دارد. در پایان سفر پیدایش، آنها در مصر در تبعید هستند و می‌خواهند به سرزمین خود بازگردند. خروج نیز همین‌طور.

آنها می‌خواهند به سرزمین خود بازگردند و غیره. بنابراین، تمام آن کتاب‌ها، پنج کتاب، به آینده نگاه می‌کنند. و در کتاب یوشع است که ما تحقق آن را داریم.

و در کتاب یوشع این حس وجود دارد، نوعی حس، آه، ما اینجا هستیم. بالاخره، پس از این همه قرن وعده‌ها محقق شده‌اند، ما در سرزمین هستیم و زندگی خوب است. بنابراین، واضح است که این حس وجود دارد که کتاب یوشع با نگاهی به گذشته، از همه اینها قدردانی می‌کند.

زندگی حالا خوب است. در کتاب یوشع نوعی ثبات و آرامش وجود دارد که در بیشتر کتاب‌های دیگر پیدا نمی‌کنید. بنابراین درست است که این کتاب به گذشته نگاه می‌کند.

اما این نظریه، درک سنتی از اسفار پنجگانه به عنوان اینکه از قلم موسی آمده‌اند، یا اینکه بیشتر اسفار پنجگانه از قلم موسی آمده‌اند را نادیده می‌گیرد. بنابراین، در سال ۱۹۴۳، یک محقق آلمانی به نام مارتین نوت، نظریه متفاوتی را ارائه داد. و او نظریه‌ای به نام تاریخ تثنیه ارائه داد.

و نات فکر می‌کرد که نه، نقطه پایان باید اینجا باشد. و کتاب تثنیه باید به عنوان سرآمد همه این کتاب‌ها، در نظر گرفته شود. واضح است که کتاب تثنیه نگاه زیادی به آینده دارد، به زندگی در سرزمین دستورالعمل‌های موسی در پایان عمرش، به آینده و اینکه چگونه باید زندگی کنند و غیره.

و اینکه شما مضامینی را در کتاب‌های یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان پیدا می‌کنید که برای اولین بار در کتاب تثنیه بیان شده‌اند. بنابراین، نوت استدلال می‌کند که کتاب دوم پادشاهان با ویرانی اورشلیم و آزادی یهوایکین از زندان در سال ۵۶۱، صدها سال بعد، به پایان می‌رسد. و بنابراین، مارتین نوت استدلال می‌کند که کل این مجموعه از تمام این کتاب‌های بزرگ در طول تبعید پس از سقوط اورشلیم نوشته شده است.

شاید بخش‌هایی از آن زودتر نوشته شده باشد، اما همه اینها در قالب یک اثر بزرگ به نام تاریخ تثنیه، گردآوری شده است. و باز هم، من موافقم که بسیاری از آنچه نات استدلال کرده منطقی است. زیرا بله، تثنیه به آینده نگاه می‌کند.

بسیاری از مواردی که در مورد اطاعت و وعده‌های خدا و غیره در تثنیه ذکر شده است، در این کتاب‌ها به، تحقق پیوسته است. و حتی برخی از دلایلی که سامره و اورشلیم در کتاب دوم پادشاهان سقوط کردند، هشدارهای کتاب تثنیه را منعکس می‌کنند. بنابراین، به وضوح آن رشته و وحدت مضمون وجود دارد.

یک چیز است که بگوییم وحدت مضمون وجود دارد و چیز دیگری است که بگوییم وحدت نویسنده وجود دارد. و من با نظریه نوت مخالفم که همه اینها در تبعید نوشته شده است.

باز هم، من دیدگاه سنتی مبنی بر اینکه اسفار پنجگانه اساساً موسی هستند را تأیید می‌کنم. اما هدف اصلی این است که زمینه کتاب یوشع را به عنوان یک کتاب مفصل‌دار نشان دهم. و به یک معنا، هم تثنیه و هم یوشع کتاب‌های مفصل‌دار هستند.

زیرا تثنیه شامل آخرین سخنرانی‌های موسی است که به زندگی خود با اسرائیل نگاه می‌کند و می‌گوید، اینگونه است که خدا در طول نسل‌ها، از ابراهیم به بعد و به ویژه برای ما در این ۴۰ سال اخیر، به ما وفادار بوده است. اینگونه است که خدا در مصر و بیابان و غیره با ما بوده است. و این نگاهی به گذشته در کتاب تثنیه است.

اما به آینده نگاه می‌کند زیرا موسی می‌گوید، اکنون من از صحنه خارج خواهم شد. و شما به سرزمین موعود خواهید رفت و این چیزهایی است که باید به خاطر بسپارید. و بخشی از تثنیه تکرار قوانینی است که ۴۰ سال قبل داده شده است.

گرفته شده است که به معنی قانون دوم است. این Nomos و Deutero حتی نام کتاب، تثنیه، از کلمات قانون در ابتدا در کوه سینا به نسل اول داده شده بود. آن افراد در بیابان مردند و اکنون موسی با نسل دوم صحبت می‌کرد.

بنابراین دوباره، این هم به گذشته نگاه می‌کند و هم به آینده. یوشع، همین‌طور. به گذشته نگاه می‌کند و می‌گوید، اینها تحقق وعده‌ها هستند.

و با این حال، یوشع به نوعی به آینده نگاه می‌کند، به عنوان اولین کتابی که در آن اسرائیل تا پایان کتاب دوم پادشاهان، زمانی که اسرائیل از سرزمینشان رانده می‌شود، زندگی می‌کرد. بنابراین، کتاب یوشع کتابی است که در میان تمام این کتاب‌ها، به گذشته و آینده نگاه می‌کند. و من فکر می‌کنم در نظر داشتن این دیدگاه مفید است.

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد یوشع از طریق روت است. این جلسه ۳، مقدمه‌ای بر یوشع، بخش ۳، زمینه ادبی است.